

آینه

نیکوکار

نظم جهانی ۳۰ سال پس از فروپاشی دیوار برلین

● وقتی «ورنر کراشل»، کشیش و معارض آلمان شرقی شنید که دیوار برلین فروریخته اصلا باور نکرد. اما دست دخترش و دوست خود را گرفت و به سوی نزدیک‌ترین ایست بازرسی راند تا خودش ماجرا را از نزدیک ببیند. آن شب، شب نهم نوامبر ۱۹۸۹ بود. خودروی «وارنبورگ» زردرنگ‌شان بی‌درنگ پیش می‌رفت تا محدوده امنیتی را با چشم غیرمسلح ببیند. آقای کراشل شیشه اتومبیل را پایین داد و از گارد مرزی پرسید: «دارم خواب می‌بینم یا حقیقت است؟» گارد مرزی جواب داد: «داری خواب می‌بینی.» برای بسیاری از ساکنان برلین شرقی مثل آقای کراشل یک رؤیا بود که ببینند این دیواری که نماد جدایی و عدم آزادی بود و تکه‌ای سیمانی با سیم خاردار بود قلب‌های یک ملت را دوباره کرده بود. «کاترین بنهولد»، که گزارش ۹ نوامبر برای نیویورک‌تایمز، نوشت وقتی در نهایت این رؤیا به حقیقت تبدیل شد، وقتی بارزترین نماد جنگ سرد یعنی یک مرز مسلح در کوتاه‌مانی بازگشایی شد، طرف چند روز این دیوار فروریخت و این نمود مگر در نتیجه یک چانه‌زنی بزرگ ژئوپلیتیک… این دیوار در ابتدایی‌ترین سطح خود نتیجه شکفت‌انگیز خطای انسانی، خودانگیختگی و شجاعت فردی بود. «آن اپلباوم»، مورخ و ستون‌نویس می‌گوید: «این از پیش تعیین نشده بود. فروپاشی این دیوار پیروزی خیر بر شر نبود. این در واقع بی‌کفایتی و البته شانس بوده.»

کیم

دیروز مردم را با هوید برجام فریب دادند امروز از حماقت FATF می‌ترسانند

● یکی از نقاط ضعف جدی دولت روحانی گروزدن معیشت مردم به اموری است که از اختیار کشور خارج است. این رویکرد غلط پیش از این در توافق هسته‌ای در پیش گرفته شد و اکنون نیز بدون توجه به تجربه عبرت‌آموز برجام، عینا در مسئله FATF در حال تکرار است. حامیان برجام تمامی امور کشور حتی آب‌خوردن مردم را به توافق هسته‌ای گره زدند و مدعی شدند که با امضای برجام تمام مشکلات کشور حل شده و فتح‌القنوجی عظیم رخ می‌دهد. این طیف اکنون همین رویکرد را در موضوع FATF تکرار کرده است. تفاوت وضعیت فعلی با گذشته در این است که هراس‌افکنی و ارعاب، به جای وعده و وعیده‌ای رنگارنگ نشسته است. به عبارت دیگر، دیروز مردم را با هوید برجام فریب دادند و امروز از حماقت FATF می‌ترسانند. فصل مشترک رفتار حامیان برجام و FATF، فقدان بهره‌مندی از منطق فنی و کارشناسی است. راه‌حل اصلی رفع مشکلات کشور، مدیریت صحیح نقدینگی، اجرای دقیق اقتصاد مقاومتی و بهره‌مندی از استعدادهای عظیم داخلی و بکارگیری جوانان نجبه، انقلابی و مومن است. اما متأسفانه دولت در اجرای موارد فوق دچار قصور و تقصیرهای فراوان شده است.

لنتخ

سردرگمی فلسفه مجازات

● **عباس عسبدی**؛ این منطق که چون چیزی زمان پیامبر نبوده الان هم نباید باشد، به‌طور کلی بی‌اعتبار است. همین آقایان یا خانم‌هایی که این استدلال را می‌کنند در نهادی نشسته‌اند که زمان پیامبر وجود نداشت. مجلس، دولت، وزیر، رای اعتماد، دادسرا و هیچ‌کدام اینها نبود. سیاست کیفری در ایران باید از ریشه درست شود. پیش از هر چیزی باید فلسفه جرم مشخص شود. ما مبیان فلسفه اجتماعی و الهی جرم در نوسان هستیم. پس از جرم، فلسفه مجازات نیز به تبع آن باید روشن شود. هنگامی که برخی مجازات‌ها مثل سنگسار در عمل کنار گذاشته می‌شوند یا مسئله سن کیفری در قانون مجازات فعلی در تعارض جدی با منطق سیاست‌گذاری است، یا شوبوها یا اثبات جرم قدیمی و ناکارآمد است، همه اینها نشانه‌ای از تعارضات نگاه موجود در سیاست کیفری است. در یک سیاست کیفری منطقی و قابل دفاع، نمی‌توان رفتاری را جرم تعریف کرد که اکثریت قابل توجهی از جامعه آن را مرتکب شوند و شرم‌زنده از این کار خود نباشند. در یک سیاست کیفری منطقی نمی‌توان دو محدوده سن کیفری برای دو دسته از جرایم و هرکدام نیز دو مورد برای دو جنس داشت. اینکه برای دختران ۹ سال و پسران ۱۵ سال سن کیفری شرعی و برای جرایم تعزیری‌ای سن ۱۸ سال برای هر دو جنس را اعلام کرد، نشانه تعارضات غیر قابل حل در این سیاست کیفری است. از این تضادها در قانون مجازات کم نیست. متأسفانه یکی از بدترین وضعیت‌های دسترسی به آمار و اطلاعات در کشور در موضوع جرم و جنایت و زندانی است. والا این امکان وجود داشت به روشنی تحقیق شود که آیا عفو و تغیرات این چنینی کمک‌سی به کاهش جرم می‌کند یا خیر؟ بنابراین فارغ از اینکه این طرح تصویب یا رد شود، چشم‌ها را باید شست؛ جور دیگری باید دید. سیاست کیفری با این وضع به سزمنزل مقصود نمی‌رسد و یکی از علل بالا بودن پرونده‌های قضایی در ایران وجود همین سیاست و تناقضات و نارسایی‌های آن است.

هستی قاسمی؛ دانشجویان در سه انتخابات اخیر در حمایت از اصلاح‌طلبان از هیچ تلاشی برای روشننگری و ترغیب لایه‌های مختلف جامعه برای آمدن به پای صندوق‌های رأی و ممانعت از ورود تندروها به نهادهای قدرت دریغ نوززدند، اما پس از حوادث دی‌ماه ۹۶، با مواضع اصلاح‌طلبان در برخی امور و نوع مواجهه دولت با مشکلات و مطالبات جریان دانشجویی، اکنون در حمایت مجدد دانشگاه از جریان اصلاحات تردید به وجود آمده است، به‌طوری‌که این شرایط اصولگرایان را غره کرده که دانشگاه در اختیار آنهاست و دانشجویان از اصولگرایان حمایت خواهند کرد. پرسش اینجاست که در صورت عدم حمایت دانشجویان از اصلاح‌طلبان در انتخابات اسفندماه، چه بر سر مجلس آتی، آینده کشور و مسیر دموکراسی خواهی و حتی توسعه جامعه مدنی در ایران خواهد آمد؟ نجفقلی حبیبی، چهره محبوب و قدیمی دانشگاهی می‌گوید: «دانشجویان از جریان اصلاحات به دلیل رویکرد این‌جریان در برخی مسائل و عدم تحقق مطالباتشان دلخور و کله‌مندند. به نظر حق هم دارند، باین‌حال، مصالح ملی ایجاب می‌کند که جریان‌های دانشجویی منتقد و ناراضی نیز در صحنه حضور فعال داشته باشند». بر این اساس، پیرامون مسائل یادشده با این فعال سیاسی اصلاح‌طلب و رئیس اسبق دانشگاه علامه‌طباطبایی به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه آن را می‌خوانید.

● **دانشجویان همواره موتور محرکه جامعه و جریان اصلاحات برای انتخاب به شمار می‌رفتند، امروز نگاه دانشگاهیان نسبت به اصلاح‌طلبان چگونه است؟**

انتخابات یک رکن اساسی در نظام محسوب می‌شود، به‌ویژه در ایران با وجود همه مشکلات، باز هم این انتخابات است که اصل کلی نظام را سازماندهی می‌کند، اما مشکل اصلی اینجاست که اگرچه پیش از این به حضور دانشجویان در شئون مختلف ارج نهاده می‌شد، اکنون مدتی است که حضور دانشجویان در عرصه‌های مختلف به دلایل گوناگون به محاق رفته است، زیرا همچنان عده‌ای در تلاش‌اند تا دانشجویان را با مشغول‌کردن به امور خود و بی‌توجهی به مسائل کشور منزوی و نگاهشان را از مشکلات داخلی دور کنند. مخالفان حضور دانشجو در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی بر این باورند که دانشجو نباید در مسائل کشور دخالت داشته باشد، چراکه دولت هزینه می‌کند تا آنها به تحصیل علم بپردازند، درحالی‌که اگر دانشجویان در امور مختلف حضور نداشته باشند چنانچه روزی در جایگاه مدیریتی قرار بگیرند به‌هیچ‌روی نمی‌توانند عملکرد مطلوبی از خود ارائه دهند. به همین دلیل هم تاکید بر این است که باید به دانشجو پیش از سایر جریان‌ها و طیف‌های اجتماعی بها داد، چراکه دانشگاه یکی از مطمئن‌ترین کانون‌های قدرت در ایران به شمار می‌رود که می‌تواند نیروهایی برای مدیریتتی کشور در شئون مختلف تربیت کند، به‌طوری‌که اکنون فارغ‌التحصیلان دانشگاه به‌عنوان وزیر، استاندار و نماینده در قوا و دستگاه‌های مختلف در حال خدمت هستند. بنابراین برای اینکه دانشجو نیروی اجتماعی اثرگذاری باشد، باید به او فرصت حضور در همه عرصه‌ها داده شود و از آزادی لازم برای ابراز عقیده و سخن برخوردار باشد. در این میان ممکن است که انتقادات تازده هم نسبت به وضعیت موجود داشته باشد و به مذاق برخی از مسئولان نیز خوش نیاید، اما در نهایت این انتقادات خسارتی به کشور وارد نمی‌کند. به‌هرروی، امروز دانشجویان بیش از هر زمانی نسبت به عدم تحقق خواسته‌های سیاسی و اجتماعی خود دل‌درسدند، زیرا دانشجویان که در دولت یازدهم نسبت به کاهش محدودیت‌ها و سخت‌گیری‌ها تا حدودی امیدوار شده بودند به امید تحقق مطالباتشان، جریان‌های مختلف اجتماعی را هم برای آمدن به پای صندوق‌های رأی متقاعد کردند؛ اما نتیجه اعتمادشان معکوس شد، زیرا دولت روحانی به‌جای عمل به تعهداتش دچار عقبگرد در تحقق وعده‌هایش شد، در نتیجه دلسردی و ناامیدی در دانشگاه و سایر عرصه‌های اجتماعی حاکم شد.

● **برخی بر این اعتقادند که عدم تحقق مطالبات جریان‌های دانشجویی در دولت روحانی منجر به نوعی شکاف میان دانشگاه و جریان اصلاحات شده است. آیا به‌راستی می‌توان گفت که ما امروز به دلیل عدم تحقق مطالبات جریان دانشجویی شاهد شکاف میان آنها و اصلاح‌طلبان هستیم؛ به‌طوری‌که این شکاف در حضور آنها در انتخابات پیش‌رو نیز مؤثر خواهد بود؟**

واژه شکاف میان جریان دانشجویی و اصلاحات به نظر کمی اغراق‌آمیز است، اما به‌هر‌حال دانشجویان از جریان اصلاحات به دلیل رویکرد این جریان در برخی مسائل و عدم تحقق مطالباتشان دلخور و کله‌مندند. به نظر حق هم دارند، زیرا به اعتمادشان خدشه وارد شده است، اما باین‌همه، مصالح ملی ایجاب می‌کند که جریان‌های دانشجویی منتقد و ناراضی نیز در صحنه حضور فعال داشته باشند، چراکه با کناره‌گیری از انتخابات مسئله‌ای حل نمی‌شود، بلکه بیشتر به صورت‌مسئله اضافه خواهد شد. به همین دلیل، جریان دانشجویی یک‌بار دیگر ناگزیر به حمایت از اصلاحات و آمدن به پای صندوق رأی است، زیرا تنها از طریق صندوق آرا می‌توانیم به راه‌حل مسألت‌هایمان در دولت دوازدهم، بر این باورند که حضور و رأی آنها در انتخابات تفاوتی می‌تواند اعتراضات و خواسته‌هایمان را به گوش

سیاست

نجفقلی حبیبی در آستانه انتخابات مطرح کرد

بازار داغ پوپولیست‌ها



عکس

نبوی حسینی

ندارد؛ درحالی‌که اگر جریان منفعت‌طلب و تندرو سر کار بیاید، در این صورت، مردم نمی‌توانند دیگر هیچ انتظاری از آنها برای تحقق مطالبات خود و پاسخ‌گویی نماینده‌های تندرو در قبال عدم عمل به تعهداتشان داشته باشند. درحالی‌که چنانچه مردم به نماینده منظر خود رأی دهند، وضعیت متفاوت خواهد بود و حداقل نسبت به عدم تحقق اصلاح‌طلبان باید تلاش کنند در جلسات درون‌حزبی‌شان، مسائل را تبیین کنند. این جریان باید مشکلات جهانی را که روی امور داخلی کشور تأثیر گذاشته است مورد بررسی قرار داده و در نهایت باید برای برون‌رفت از این مشکلات راه‌حل معقول ارائه دهد.

به همین ترتیب این‌جریان باید با حضور در نشست‌های دانشجویی، دلیل وجود مشکلات و تنگناهای دولت را مطرح کرده و همچنین به اشتباه‌ها و نیز کوتاهی دولت در حل مشکلات اعتراف کند و قول بدهد تلاش لازم را برای جبران مافات خواهد کرد. یکی از این اشتباه‌های استراتژیکی جریان اصلاحات، در حوادث دی‌ماه سال ۹۶ بود که دانشجویان را از اصلاح‌طلبان ناامید کرد. به همین دلیل اصلاح‌طلبان باید با بررسی این مسائل و توضیح به دانشجویان، در راستای ترمیم اعتماد آنها گام بردارند. فارغ از هر چیز، امروز اگر مسئولان دنبال این مهم هستند که جریان‌های دانشجویی چپ و راست به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای فکری و اجتماعی، پای صندوق‌های رأی حضور پیدا کرده و متعاقب آن جامعه را برای حضور در انتخابات ترغیب کنند، باید زمینه را برای چنین مشارکتی فراهم کنند. دانشجو به‌عنوان نیروی انسانی‌ای که نگران وضعیت کشور است، وارد عرصه انتخابات می‌شود؛ به همین دلیل مسئولان باید در اعمال سیاست‌هایشان در قبال این طیف منعطف باشند؛ زیرا آنها حاضر به هر ریسک و خطری هستند تا دریچه‌های بهتری پیش‌روی آینده کشور گشوده شود. بر اساس این، همواره توصیه‌ها به مسئولان بر این بوده است که به‌جای اعمال محدودیت و سخت‌گیری، فضا را برای فعالیت سیاسی و اجتماعی دانشجویان باز بگذارند؛ چراکه از گشایش آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، دانشجویان هر دو جناح اصلاح‌طلب و اصولگرا سود خواهند برد و حضور دانشجویان منجر به حضور فعال‌تر جامعه در انتخابات خواهند شد. نباید فراموش کرد که امروز اگر دانشجویان به اوضاع منتقد هستند، به دلیل دغدغه‌ای است که برای اصلاح امور دارند؛ به همین دلیل باید نگاه‌های حاکم به او به‌عنوان اصلاح‌گر باشد نه اغتشاشگر. بنابراین باید حضور او را در امور مختلف پذیرفت، حتی اگر انتقاداتش تلخ و گزنده باشد.

● **در شرایط کنونی و با توجه به مشکلات موجود، اصلاح‌طلبان تا چه اندازه می‌توانند برای سید رای خود روی دانشگاهیان حساب باز کنند؟** دانشجویان موتور محرکه انتخابات هستند. به نظر می‌رسد با وجود دلخوری‌ها، همچنان اصلاح‌طلبان می‌توانند روی دانشجویان حساب باز کنند. اگرچه آنها از وضعیت موجود و محقق‌نشدن خواسته‌هایمان کله‌مندند، اما به نظر می‌رسد در انتخابات حضور کمرنگی داشته باشند؛ زیرا دانشگاهیان می‌دانند که برای آینده کشور و عبور از مشکلات، هیچ راه‌حلی مطلوب‌تر از صندوق رأی وجود ندارد؛ چراکه اداره مطلوب کشور و اصلاح امور، نیازمند روی‌کارآمدن مجلسی توانمند است. اگرچه تصور برخی جریان‌های سیاسی این است که از حضور نداشتن دانشجویان پای صندوق رأی سود خواهند برد، اما این منافع مقطعی و به زبان مصالح کشور و همه جریان‌هاست. کاهش مشارکت دانشجویان و به تبع آن سایر جریان‌ها، هم شانس روی‌کارآمدن مجلسی توانمند و کارآمد را از جامعه نظر کمی اغراق‌آمیز است، اما به‌هر‌حال دانشجویان به‌مراتب بدتر از مجلس نیست‌بود. بنابراین حضور دانشجویان در انتخابات امری ضروری است؛ زیرا دانشجویان هستند که به مردم امید و خوراک فکری می‌دهند. این بار هم جریان‌های دانشجویی باید به جامعه بگویند با کناره‌گیری از صندوق رأی، کشور تعطیل نمی‌شود، بلکه در نهایت بازهم عده‌ای سر کار خواهند آمد که حضور آنها در مجلس به نفع کشور و مردم نیست. آیا برایتان تفاوتی ندارد که چه گروه و افرادی بر کرسی‌های مجلس خواهند نشست یا برعکس تلاش خواهید کرد توانمندترین و دلسوزترین افراد روی کار باییند. برخی به دلیل محقق‌نشدن خواسته‌هایمان در دولت دوازدهم، بر این باورند که حضور و رأی آنها در انتخابات تفاوتی

جریان‌های دانشجویی منتقد و مردم نخواهند در انتخابات حضور پیدا کنند، یک بار دیگر سکان مدیریت کشور به دست تندروها خواهد افتاد در این صورت باید در انتظار وضعیتی به‌مراتب سخت‌تر از مجلس نهم بود. البته دانشجویان جز مصلحت کشور و توسعه ملی چیزی نمی‌خواهند و آنچه برای جریان‌های دانشجویی اهمیت دارد، حیثیت بالای ملی است به همین دلیل باید زمینه مشارکتشان در انتخابات فراهم شود.

● **عارف به‌عنوان یک چهره دانشگاهی و البته اصلاح‌طلب تا چه اندازه می‌تواند در ترغیب دانشجویان برای حضور در انتخابات مؤثر واقع شود؟**

عارف به‌عنوان یک چهره دانشگاهی می‌تواند مؤثر باشد اما تنها تعامل او با جریان‌های دانشجویی کافی نیست بلکه سایر اصلاح‌طلبان هم باید برای جلب اعتماد دانشجویان با پیش بگذارند. عارف و سایر اصلاح‌طلبان از طریق صدور بیانیه، برگزاری نشست و گفت‌وگو با نهادهای قانونی کشور می‌توانند ابزار و امکانات لازم را برای حضور دانشجویان و سایر جریان‌های اجتماعی فراهم کنند. وقتی سختگیری‌ها در رابطه با تأیید صلاحیت‌ها کاهش یابد و نامزدهای اصلح و کارآمد در عرصه حضور داشته باشند به‌طورقطع دانشجویان با صحنه آمده و لایه‌های مختلف جامعه را هم با خود بسیج خواهند کرد. علاوه بر این، اصلاح‌طلبان باید نسبت به تحقق مطالبات دانشجویان به‌ویژه آزادی‌های سیاسی و اجتماعی نظیر برگزاری کرسی‌های هم‌اندیشی و عدم برخورد‌های قضائی با حساسیت بیشتر اقدام کنند. چراکه به‌جای برخورد سختگیرانه با دانشجویان می‌توان با تذکر هم مشکل را حل کرد. این انتظار که دانشجو خطایی نکند درعین‌حال هم فعالیت اجتماعی و سیاسی داشته باشد، انتظار دور از ذهنی است. حال آنکه وقتی دانشجو در فضا حضور داشته باشد ایمانش به مدیریت کشور افزایش می‌یابد و نسبت به مشکلات و بحران‌های داخلی کشور با آگاهی بیشتری برخورد می‌کند. بنابراین همان‌طور که در برجام تلاش شد تا از طریق گفت‌وگو مشکلاتمان را با کشورهای بزرگ جهان حل کنیم در داخل نیز جریان‌های سیاسی و اجتماعی مختلف و حاکمیت باید به گفت‌وگو با یکدیگر بپردازند تا بتوان به راه‌حل‌های مطلوب دست یافت. به همین دلیل باید قدرت چانه‌زنی در داخل افزایش یابد.

● **به‌عنوان سؤال پایانی، مشارکت مشروط برای تأیید صلاحیت اصلاح‌طلبان شناخته‌شده اگر به استراتژی در انتخابات مجلس تبدیل شود، ما شاهد روی‌کارآمدن چه مجلسی خواهیم بود و جایگاه پایداری‌ها در آن چگونه خواهد بود و در سال ۱۴۰۰ از دل چنین مجلسی چه دولتی خارج خواهد شد؟**

چنانچه در صلاحیت‌ها افزایش یابد و فقط اکثریت یک جناح سیاسی خاص وارد مجلس شود؛ مسلماً آن جناح سیاسی پیروز راهی را خواهد پیمود که مطابق با فلسفه سیاسی و اجتماعی‌اش است. در این صورت نمی‌توان به آینده کشور چندان خوش‌بین بود. جریان مقابل همواره مدعی باینندی بر اصول، مذهب و اخلاق بوده است، درحالی‌که تلخ‌ترین حوادث ممکن در دوران مدیریت‌شان رخ داده است، به‌طوری‌که کشور همچنان با ریشه‌های فساد، رانت و اختلاس آن دوره دست‌به‌گریبان است. بنابراین چنانچه تجربه دولت احمدی‌نژاد تکرار شود، آنها باز هم با ادعای عدالت‌طلبی ثروت کشور را میان عده‌ای خاص تقسیم خواهند کرد؛ به همین دلیل نباید اجازه داد که این جریان با شعارهای پوپولیستی و معیشتی به قدرت بازگردند. صورت ساده و عوام‌فریبانه این شعارها توزیع یارانه در دولت احمدی‌نژاد بود که ضربه بسیار مهلکی به کشور وارد کرد. این یارانه‌اندک در برابر فسادهای میلیاردری و تعطیلی ده‌ها کارخانه بزرگ صنعتی و مؤثر اقتصادی در کشور به‌راستی چه ارزشی دارد؟ درحالی‌که دولت روحانی باوجود انتقادات موجود، خدمات بسیاری نظیر ساخت جاده‌های فرعی و گازرسانی به روستاها، توسعه راه‌آهن، ایجاد بندر و… در روستاها و شهرهای دوردست ارائه داد. درحالی‌که اصولگرایان در دوران مدیریت خود اثبات کردند که به هیچ‌عنوان از عهده اداره کشور برنمی‌آیند و نه‌تنها به فکر توسعه کشور و معیشت جامعه نیستند، بلکه به چیزی جز قدرت نمی‌اندیشند. امروز نیز باید خطر بازگشت پوپولیسم را جدی گرفت؛ زیرا اکنون نظرسنجی‌ها از اقبال ۱۲ درصدی مردم به روحانی و اصلاح‌طلبان و در مقابل، رأی ۲۶ درصدی به احمدی‌نژاد حکایت دارد که این خود نشان از داغ‌بودن بازار پوپولیسم است. به همین دلیل باید گفت که روشننگفرازان مسئولیت بالایی در مقابل مردم و آگاهی‌رسانی به آنها دارند. در نهایت به‌عنوان یک چهره دانشگاهی قدیمی از جریان‌های دانشجویی می‌خواهم دست از ناامیدی بردارند و با حضور خود روش‌های مؤثری برای اداره مطلوب جامعه ارائه دهند. همان‌طور که همواره با حضورشان فضای انتخابات را گرم کرده‌اند، این‌بار هم خود را عضو مؤثر و فعال در کشور بدانند و از هم‌اکنون برای سازمان‌دهی نهادهای اجتماعی کشور فعال باشند. اگرچه مسئولیت قانونی ندارند، اما فردای ایران در دست آنهاست و بدون حضورشان عبور از مشکلات و رسیدن به توسعه امکان‌ناپذیر نیست.

روزنه

وزیر کشور:

بخش اعظمی از امنیت را مادیون مردم کردستان هستیم

● **پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور:** وزیر کشور در همایش پیامبر اعظم (ص)، رهبری، اتحاد ملی و اقتدار امت اسلامی در کردستان، گفت: «اسلام دین نجات بشریت است، بر فطرت و عقل و جان انسان آگاه است، پاسخ همه نیازهای انسان را در خود دارد و انسان را هدایت و متعالی می‌کند». عبدالرضا رحمانی فضایی ایام هفته وحدت را بهانه‌ای برای جمع‌شدن و تجدید میثاق دانست و افزود: «امروز شاهد رویارویی اسلام با سایر جهان‌بینی‌هایی هستیم که داعیه اداره جهان را دارند و این تقابل حق و باطل است که بارزترین آن، دشمنی و مخالفت آنها با انقلاب اسلامی ایران است.»

او با اشاره به تحریم‌ها و فشارهای غرب علیه ایران، تأکید کرد: «باید از تحریم‌ها سکویی بسازیم برای اینکه به استقلال اقتصادی و خودکفایی برسیم». وزیر کشور به ایجاد جریان‌های تکفیری مانند داعش اشاره کرد و گفت: «نتیجه این اقدامات چیزی جز نابودی تمدن کشورهای دچار جنگ و فتنه نبود و همه در جهان اسلام دانستند که این جریان‌ها توسط آمریکا و با هدف ازین‌بردن اسلام ایجاد شده است.»

رحمانی فضلی همچنین در جشن هفته وحدت که در سنجند برگزار شد، گفت: «کردستان و کردها در تاریخ ایران ماندگار و جودانه هستند. بخش اعظمی از امنیت کشورمان را مدیون مردم استان کردستان هستیم». او افزود: «راه سربلندی بیشتر، راه توسعه و پیشرفت و راه ماندگاری و جاودانگی کردستان در این است که پیوند فرهنگ مردم کردستان را با فرهنگ ملی ایران، ناکسستی‌تر و تأثیرگذاری این فرهنگ در فرهنگ ملی را هر روز بیشتر کنیم. اگر مردم ایران از چگونگی صلایت، اصالت، صافی و صداقت و صمیمیت و تأثیرگذاری و نفوذ فرهنگ مردم کرد مطلع باشند، یقیناً کرد و کردستان در فرهنگ ایرانی جایگاه بالاتر و بالاتری خواهد داشت». وزیر کشور در ادامه با بیان چند جمله به زبان کرمانجی گفت: «کرد، کردستان، کرمانجی، ایامی، خراسانی، کرمانشاهی، شیعه و سنی فرقی ندارد، همه ما ایرانی و موح و همه ما دلباخته آموزه‌های اصل و اخلاقی اسلام هستیم. مردم ایران از هر قوم و مذهبیه برابرند و همه با تمام وجود و با صلایت از ایران دفاع می‌کنند.»

علی یونسی:

تنگ‌نظری‌عامل بسیاری از ناملایمتهای هادر جامعه‌مدنی می‌شود

● **ایسنا،** مشاور رئیس‌جمهور در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی در همایش اقلیت‌های دینی استان یزد، گفت: امروز ایران اسلامی به دوستی، توسعه، رفاه و امنیت نیاز دارد و این مهم در سایه همبستگی ادیان و سلایق مختلف محقق می‌شود.**حجت‌الاسلام علی یونسی** انتظارات زرتشتیان را مطالبات ملی و مدنی دانست و افزود: انتظارات مطرح‌شده از سوی جامعه زرتشتیان یزد منطقی است و هیچ ربطی به دین و مذهب مسلمانان و زرتشتیان ندارد. او فرهنگ ایرانی را فرهنگ خدابپرستی، پایداری، استقامت، صلح، آشتی و انسان‌دوستی عنوان کرد و گفت: ملت ایران همیشه یزدان‌دوست و تابع دوستی و صلح بوده‌اند. «خدایپرستی» و «عشق به ایران» محور اصلی وحدت ملت همیشه بیدار ایران است و اخلاق و انسان‌مداری مهم‌ترین هدف پیامبران بوده و ما باید تابع این باور ارزشمند باشیم.یونسی با اشاره به اینکه اصول مذهب و دین مقابل تعصب نابجااست، افزود: تعصب که همیشه در کمین پیروان ادیان مختلف است، در جای خود یک بیماری بوده و در برخی مواقع رنگ دین به خود می‌گیرد و تا سب‌نظری عامل بسیاری از ناملایمتهای در جامعه مدنی می‌شود. او با بیان اینکه برخی از ست‌ها و آیین‌های دینی در عصرهای مختلف و متناسب با شرایط زمانی ایجاد شدند، عنوان کرد: متأسفانه از دیرباز تاکنون تعصبات نابجا در بزرگداشت آیین‌های دینی منشا بسیاری از جالش‌های اجتماعی و فرهنگی بوده است.این مسئول با بیان اینکه مردم ایران با خود و آیین‌های دینی هیچ مشکلی ندارند، گفت: ما به عنوان یکی از نمادهای ایرانی باید حفظ شده، پیروان ادیان مختلف به شرط قبول اساس نظام جمهوری اسلامی ایران در اقلیت نیستند و به واسطه ایرانی‌بودن همه ما در اکثریت هستیم. یونسی، انتخاب سیتنا نیکتمان و اختیاری به عنوان نمایندگی مردم در شورای اسلامی شهر یزد و مجلس شورای اسلامی را نماد همبستگی و وحدت ملی مسلمانان و زرتشتیان دانست و بیان کرد: زرتشتیان میراث‌داران فرهنگ و ارزش‌های ایرانی هستند و باید مورد حمایت قرار گیرند.او با بیان اینکه تمام جشن‌هایی که نماد فرهنگ ایرانی است باید حراست شوند، گفت: جشن شده به عنوان یکی از نمادهای ایرانی باید حفظ شود. این مسئول در پایان سخنان خود ایجاد تفرقه بین ادیان و اقوام مختلف ایرانی را ادبیات دشمنان این نظام دانست و بیان کرد: ملت ایران فارغ از هر دین و قومیت باید با حفظ اصالت حامی ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی خود باشند.